

فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری در نوجوانان: نقش واسطه‌گری سبک‌های

پردازش هویت

راضیه شیخ‌الاسلامی*^۱، شیوا برزو^۲

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی نقش واسطه‌گری سبک‌های پردازش هویت در رابطه‌ی بین ابعاد فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری در نوجوانان صورت پذیرفت. شرکت‌کنندگان این پژوهش شامل ۳۰۴ نفر (۱۷۱ دختر و ۱۳۳ پسر) از دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بود که بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به منظور بررسی متغیرهای پژوهش، هر یک از شرکت‌کنندگان، پرسش‌نامه‌های محیط خانوادگی نقاشیان، سبک‌های پردازش هویت وایت و همکاران و مسئولیت‌پذیری سروشرا تکمیل نمودند. پایایی ابزارهای پژوهش به وسیله‌ی ضریب آلفای کرونباخ و روایی آن‌ها به کمک همسانی درونی تعیین شد. نتایج حاکی از روایی و پایایی قابل قبول آزمون‌ها بود. هم‌چنین نتایج تحلیل مسیر مطابق با مراحل بارون و کنی نشانگر آن بود که، ابعاد فرزندپروری کنترل و محبت، پیش‌بین مثبت و معنادار مسئولیت‌پذیری نوجوانان هستند. بعد فرزندپروری کنترل، پیش‌بین مثبت و معنادار سبک پردازش هویت هنجاری و بعد فرزندپروری محبت، پیش‌بین مثبت و معنادار سبک‌های پردازش هویت، اطلاعاتی و هنجاری و پیش‌بین منفی و معنادار سبک پردازش هویت سردرگم-اجتنابی بود. در مورد سبک‌های پردازش هویت نیز مشاهده گردید که سبک‌های پردازش هویت اطلاعاتی و هنجاری، پیش‌بین مثبت و معنادار و سبک پردازش هویت سردرگم-اجتنابی پیش‌بین منفی و معنادار مسئولیت‌پذیری نوجوانان است. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که سبک پردازش هویت هنجاری در رابطه‌ی بین بعد فرزندپروری کنترل و مسئولیت‌پذیری نقش واسطه‌گری کامل ایفا می‌کند. هم‌چنین سبک‌های پردازش هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی نقش واسطه‌ای سهمی در ارتباط بین بعد محبت فرزند پروری و مسئولیت‌پذیری داشتند.

واژه‌های کلیدی: فرزندپروری، مسئولیت‌پذیری، سبک‌های پردازش هویت، نوجوان

^۱ - استادیار روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز

^۲ - کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

* - نویسنده مسوول مقاله: sheslami@shirazu.ac.ir

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و به منظور حفظ بقا ناگزیر است دائماً در تعامل با انسان‌های دیگر باشد. لذا برای برقراری تعامل موثر، همواره باید بیاموزد که چگونه در جمع زندگی کند و چگونه زمینه‌ی ارضای نیازهای خود و دیگران را فراهم نماید (سافرانو سافران، ۱۹۸۵). تعامل موثر با دیگران نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌ها است که در صورت تسلط بر آن‌ها، می‌تواند منجر به شکل-گیری مسئولیت‌پذیری^۱ شود. مسئولیت‌پذیری از مفاهیم مهم در حوزه‌ی روان‌شناسی تربیتی است که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است (لنزی، وینو، سانتینلو، نیشن و ویت، ۲۰۱۴؛ احمدی آخورمه، سهامی، رفاهی و شمشیری، ۱۳۹۲). مسئولیت‌پذیری مفهومی مثبت و یک موضوع کلیدی است که با میزان درک مستقلی که فرد از خود دارد و مفهوم انتخاب ارتباط مستقیم دارد (هاگز، ۲۰۱۰). هم‌چنین می‌توان از مسئولیت‌پذیری به عنوان یک جنبه‌ی مهم از شکل‌گیری هویت نام برد (لنزی و همکاران، ۲۰۱۴) و از آن در توانمندسازی انسان‌ها استفاده کرد (هاگز، ۲۰۱۰). مسئولیت‌پذیری فردی به معنای آن است که فرد خود را نسبت به خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته و هم‌چنین نیازها و بهروزی دیگران مسئول بداند. فردی که مسئولیت‌پذیر است، احتمالاً در نظر خواهد گرفت که چگونه انتخاب‌ها و تصمیماتش بر دیگران و جامعه تأثیر می‌گذارد. لذا اگرچه مفهوم مسئولیت‌پذیری فردی، بر فرد تمرکز دارد اما در یک بستر اجتماعی اتفاق می‌افتد. بنابراین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی بعدی از مسئولیت‌پذیری فردی بشمار می‌رود (مرگلر، ۲۰۰۷). تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند که مسئولیت‌پذیری در هر جامعه‌ای موجب تنظیم روابط اجتماعی و انسانی، افزایش نوع دوستی و همدلی شده (کلاتتری، ادیبی، زبانی و احمدی ۱۳۸۶؛ مارویاما، فریزر و میلر، ۱۹۸۲) و براساس آن، افراد خود را نسبت به هم وابسته احساس کرده و بر مبنای همین احساس وابستگی، سرنوشت خود را با دیگران در پیوند می‌بینند، لذا در صورت فقدان مسئولیت‌پذیری، اعضای جامعه نسبت به یکدیگر و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، بی‌تفاوت و احساس بیگانگی نموده و به راحتی از کنار آسیب‌های اجتماعی موجود می‌گذرند (منزیس، هریس و کامینگ، ۲۰۰۰).

پژوهشگران عوامل مختلف و متعدد فردی و اجتماعی را در بروز رفتار مسئولیت‌پذیر، مؤثر می‌دانند. (خورشیدی، ایزدی و جلیل عاملی روشانی، ۱۳۸۷؛ هدایتی، فاتحی زاده، آکوچیان، بهرامی و اعتمادی، ۱۳۸۷). در این میان، خانواده به عنوان اولین واحد اجتماعی و جامعه‌ای کوچک که هدف آن توسعه و رشد اجتماعی کودکان است، مورد تأکید قرار گرفته است. چرا که خانواده پایه‌گذار شخصیت، هویت، ارزش‌ها و معیارهای فکری فرزندان و محل یادگیری فرهنگ، هنجارها، ارزش‌ها و نقش‌های جنسیتی است (دادلی، پوستون، ۲۰۱۴). با توجه به اثر خانواده بر رشد اخلاقی اولیه

فرزندان، به نظر می‌رسد فرزندان مسئولیت‌پذیری را از والدین خود یاد می‌گیرند و می‌آموزند که مسئولیت عواقب اعمال خود را بپذیرند (الیثورپ، ایولدسن و فازیو، ۲۰۱۳). البته نقش خانواده در رشد هیجانی، شناختی و اجتماعی فرزندان در دوره‌های مختلف رشدی، متفاوت است. شاید بتوان گفت که این نقش در انتقال فرزندان از دوره‌ی کودکی به دوره‌ی نوجوانی از اهمیت بیش‌تری برخوردار می‌گردد. تغییر از حالت وابستگی به استقلال و پذیرش مسئولیت برای نوجوانان به عنوان یک چالش بزرگ بشمار می‌رود، که در این میان نوع برخورد والدین می‌تواند در کمک به نوجوانان برای رویارویی با این چالش بزرگ، اثرگذار باشد (مندانکا و فونتین، ۲۰۱۴). نوع برخورد والدین در قالب رفتارهای متنوع، بهنجار و طبیعی که به منظور کنترل و اجتماعی کردن فرزند خود به کار می‌برند، سبک‌های فرزندپروری^۲ نامیده می‌شود (سامانی و فولادچنگ، ۱۳۸۵). بامریند (۱۹۹۹) در توصیف سبک‌های فرزندپروری به دو بعد اساسی محبت و کنترل اشاره دارد. منظور از بعد محبت، صمیمیت و میزان پذیرش نیازهای فرزندان از سوی والدین و منظور از بعد کنترل میدان تسلط والدین می‌باشد. شیفر (۱۹۶۵) نیز از جمله کسانی است که در زمینه‌ی سبک‌های فرزندپروری پژوهش‌هایی انجام داده است. و طبقه‌بندی بر اساس دو جنبه‌ی رفتار والدین یعنی آزادی-کنترل (سهل‌گیری در مقابل سخت‌گیری) و گرمی-سردی (پذیرش در مقابل طرد) ارائه نمود. هم‌چنین مک‌کویی و مارتین (۱۹۸۳)، به نقل از سیگلمن و رایدنر، (۲۰۱۲) و دارلینگ و اشتاین‌برگ (۱۹۹۳) بر دو بعد، پذیرش-پاسخ‌گویی و درخواست-کنترل تأکید دارند و بر اساس این دو بعد چهار سبک فرزندپروری را مطرح می‌کنند که عبارتند از: مقتدر^۳، مستبد^۴ (سلطه‌جو)، سهل‌گیر^۵ و غفلت‌گرا^۶. والدین مقتدر، با این حال که به نیازهای فرزندان توجه دارند به بیان انتظارات و توقعات خویش و نیز کنترل و نظارت بر رفتار فرزندان می‌پردازند و قواعد و مقررات واقع‌بینانه در منزل اعمال می‌نمایند (اشتاین‌برگ، ۱۹۹۶). در این‌گونه خانواده‌ها هم محبت و هم کنترل در سطح بالایی است (سیگلمن و رایدنر، ۲۰۱۲). والدین مستبد، پذیرای نیازهای فرزندان نیستند و بر اطاعت بی‌چون و چرا از قوانین تأکید دارند. در این‌گونه خانواده‌ها محبت پایین و کنترل در سطح بالایی است. والدین سهل‌گیر برعکس والدین مستبد هستند. بدین معنی که محبت زیاد و کنترل کمی را اعمال می‌کنند، (دارلینگ و اشتاین‌برگ، ۱۹۹۳). والدین غفلت‌گرا دارای کنترل-درخواست‌گری و پذیرش-پاسخ‌گویی پایین می‌باشند. این والدین، درگیر تربیت فرزندان نیستند و آنقدر در مشکلات خود غرق هستند که نمی‌توانند، انرژی کافی را برای تعیین و اجرای قوانین بگذارند (اشتاین‌برگ، ۱۹۹۶).

نتایج تحقیقات متعددی نشانگر تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر عملکرد اجتماعی و کارکردهای روانشناختی فرزندان است (شکوهی یکتا، اکبری زردخانه، پرنده و پوران، ۱۳۹۱؛ خلیلی فرد، کاظمی

و جاویدی، ۱۳۹۳). نتایج پژوهش گاستلو، گاستلو و بریگز (۲۰۱۴) نشانگر تأثیر شیوه‌های فرزند-پروری مقتدرانه (ترکیبی از کنترل و محبت بالا) بر افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی پسران و استقلال دختران است. همچنین در این پژوهش، فرزندپروری سهل‌گیرانه (کنترل کم و محبت بالا) با شایستگی کمتر در پسران و ابراز وجود کمتر در دختران همراه بود و نهایتاً خانواده غفلت‌گرا با سطوح وسیعی از اختلال عملکرد در دختران و پسران ارتباط داشت. برنشتین (۲۰۰۵) نیز در مطالعه‌ی خود نشان داد شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه با توسعه رفتار اجتماعی در نوجوانان، از جمله مسئولیت‌پذیری، قضاوت اخلاقی، خود تنظیمی، تسلط و انگیزه در ارتباط است. به اعتقاد بریکلند، بریویک و ولد (۲۰۱۳) ارتباط صمیمانه والدین همراه با تشویق باعث احساس بهتر نوجوانان نسبت به خود شده و منجر به مسئولیت‌پذیری بیش‌تر آنان می‌شود. در همین راستا، نتایج تحقیق لنزی و همکاران (۲۰۱۴) نشان داد که تشویق فعالیت‌های اجتماعی نوجوانان، با مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنان ارتباط مثبت دارد. همچنین بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوجوانان و مسئولیت‌های اجتماعی والدین ارتباط مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر هنگامی که نوجوانان شاهد علاقه و نگرانی والدین خود در خصوص مسائل اجتماعی هستند، بیش‌تر احتمال دارد این نوع نگرانی و دغدغه‌ها را به طور فعال در جامعه نشان دهند. به اعتقاد این محققین، این ارتباط را می‌توان توسط فرایند اجتماعی شدن از طریق انتقال باورها، ارزش‌های اجتماعی و اهمیت مشارکت اجتماعی در خانواده، توضیح داد.

در خصوص تأثیر خانواده بر مسئولیت‌پذیری، سؤال مهمی که توسط سولبرکو اینگلاند (۲۰۱۱) مطرح شده است، آن است که چگونه افراد بین پذیرش مسئولیت و منافع فردی خود تعادل ایجاد می‌کنند؟ در پاسخ به این سؤال، می‌توان به اظهارات جان دیویی (۱۹۸۳) استناد نمود. به اعتقاد وی فرآیندهای مختلفی از جمله فرآیندی که در آن ساخت و ساز هویت فرد تکامل می‌یابد، در ایجاد این تعادل اثرگذار است. فرآیندی که شامل ظرفیت مقابله با تنش بین دغدغه‌های اجتماعی و منافع فردی، و همچنین توانایی تعادل بین زندگی فردی و پایبندی به تعهدات اجتماعی است.

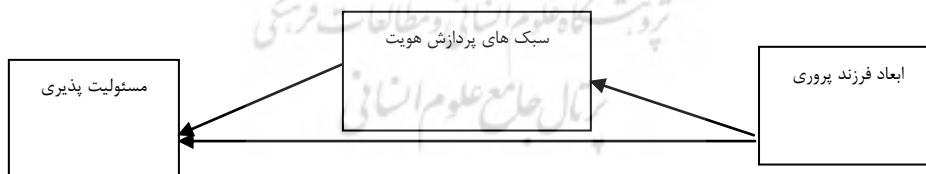
نقطه‌ی اوج فرایند شکل‌گیری هویت در دوره‌ی نوجوانی است. این فرایند زمینه‌ساز سؤال-های پی‌در پی می‌شود که نوجوان در مورد خود با آن مواجه شده و سعی در پاسخگویی به آن‌ها دارد. سؤال‌هایی همچون «من کیستم؟»، «هدف زندگی‌ام چیست؟» فرد را به تفکر و تأمل در مورد زندگی خویش فرو می‌برد. این تفکر و تأمل نیازمند پردازش اطلاعاتی است که نوجوان از دنیای پیرامون خود دریافت می‌کند. برای توصیف چگونگی پردازش اطلاعات مربوط به شکل‌گیری هویت، از سبک‌های پردازش هویت^۷ استفاده می‌شود (برزونسکی، ۲۰۰۲). سبک‌های پردازش هویت اشاره

به راهبردهای ترجیحی، شناختی و اجتماعی دارد که افراد هنگام درگیر شدن یا اجتناب از تکالیفی که به ساخت و یا حفظ احساس هویت مربوط می‌شود، از آن‌ها بهره می‌برند. این سبک‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: سبک اطلاعاتی^۸، سبک هنجاری^۹، سبک سردرگم/اجتنابی^{۱۰}. سبک هویت اطلاعاتی، تمایل به بررسی راه‌حل‌های چندگانه برای مسأله به منظور جست و جوی چند جایگزین، قبل از متعهد شدن به یکی از آن‌ها می‌باشد (برزونسکی و فراری، ۱۹۹۶). سبک هویت هنجاری، تمایل به هم‌نوا شدن با انتظارات خانواده و اجتماع و درجه‌ی بالایی از تعهد به افراد مهم و استفاده از نظر آنهاست (برزونسکی، ۱۹۹۰). سبک هویت سردرگم/اجتنابی، تمایل به تعلل و به تأخیر انداختن تصمیم‌گیری‌های شخصی و اجتناب از پرداختن به موضوعات هویت است (برزونسکی، ۱۹۸۹). با مروری بر ادبیات پژوهشی انجام شده در مورد مسئولیت‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن می‌توان مشاهده نمود که مسئولیت‌پذیری تحت تأثیر هویت و از جمله سبک‌های پردازش هویت نیز می‌باشد (سیگلمن و شفر، ۱۹۹۵؛ سرتو، ۲۰۰۴؛ گلاسر، ۲۰۰۰؛ برکات، ۱۳۸۵؛ سعادت‌شامیر، ۱۳۸۳؛ امیدیان، ۱۳۸۴؛ طباطبایی، طباطبایی، کاکایی و محمدی آریا، ۱۳۹۰). در پژوهش سعادت‌شامیر، شهرآرای و فرزاد (۱۳۸۶) نشان داده شد که بین سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری و مسئولیت‌پذیری همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد، اما بین سبک هویت سردرگم/اجتنابی و مسئولیت‌پذیری همبستگی منفی و معنادار مشاهده شد. نتایج تحقیق نادری نوبندگانی، مهرآور مومنی و حسینیان، (۱۳۹۳) در خصوص ارتباط بین سبک‌های هویت و ویژگی‌های شخصیتی نشانگر ارتباط مثبت بین سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با وظیفه‌شناسی بود. مارسیا (۱۹۸۰) نیز اظهار می‌کند که نوجوانانی که هویت آشفته دارند، عزت نفس کمی دارند و به دشواری مسئولیت‌پذیری خود را به عهده می‌گیرند، ضمناً این افراد از استدلال اخلاقی رشد نایافته‌ای نیز برخوردارند. کروسیتی، جهرمی و میوس (۲۰۱۲) دریافتند که سبک‌های هویت با مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی (فعالیت‌های داوطلبانه) رابطه دارد. بدین معنا که نوجوانانی که در جستجوی هویت خود می‌باشند، دارای نگرش مسئولانه‌تر در جامعه هستند و بیش‌تر در فعالیت‌های داوطلبانه شرکت می‌کنند، در حالی که نوجوانان سردرگم-اجتنابی تمایلات مسئولانه اجتماعی پایین‌تر از هم‌تایان خود دارند. هم‌چنین یافته‌های پژوهش کروسیتی، ارنتایت و زیوکاسکین (۲۰۱۴) نشان داد که نوجوانان با سبک اطلاعاتی، در بالاترین سطح از احساس شایستگی، اعتماد به نفس، تعهد و مشارکت داوطلبانه اجتماعی و به ترتیب پس از آن نوجوانان با سبک هنجاری و نوجوانان با سبک سردرگم-اجتنابی قرار می‌گیرند. این محققین مطرح می‌کنند که نوجوانان دارای سبک اطلاعاتی، ترجیح می‌دهند با استفاده از اطلاعات مربوط به هویت خود اثر مثبت و مؤثری هم بر خود و هم در فعالیت‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی داشته باشند.

نوجوانان دارای سبک هنجاری، ترجیح می‌دهند اثر مثبت و مؤثری تنها برای جامعه داشته باشند. در حالی که نوجوانان دارای سبک سردرگم-اجتنابی تأثیر مثبتی نه برای خود و نه برای جامعه دارند.

لازم به ذکر است که شیوه‌های فرزندپروری علاوه بر تأثیر بر مسئولیت‌پذیری فرزندان، در شکل‌گیری هویت آنان نیز نقش اساسی دارد. برای مثال در پژوهش شیخ الاسلامی، فولادچنگ و صفری (۱۳۸۷) نقش محبت والدین در دستیابی نوجوانان به هویت پیشرفته و اجتناب آن‌ها از سردرگمی هویت مورد تأکید قرار گرفته است. زیمرمن و بکر-استول (۲۰۰۲) در تحقیق خود نشان دادند که هرچه والدین رفتارهای محبت‌آمیز، پذیرش و مصاحبت بیشتری در ارتباط با فرزندان نشان دهند، فرایندهایی که منجر به رشد هویت پیشرفته می‌گردند، را بیش‌تر تقویت می‌کنند. نتایج پژوهشی دیگر بیانگر آن است که فرزندان نوجوان والدینی که شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه دارند، بیش‌تر دارای تعهد هویتی، هویت اطلاعاتی و هنجاری هستند، درحالی‌که، فرزندان نوجوان والدینی که شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه دارند بیش‌تر از سبک هویتی سردرگم-اجتنابی برخوردارند (باباپورخیرالدین، اسماعیلی انامق، غلامزاده، محمدپور، ۱۳۹۰).

با توجه به تأثیر خانواده بر شکل‌گیری هویت و رفتارهای اجتماعی همچون مسئولیت‌پذیری و هم-چنین با توجه به ارتباط بین هویت و مسئولیت‌پذیری، این سوال مطرح می‌گردد که آیا سبک‌های پردازش هویت نقش واسطه‌ای در رابطه‌ی بین ابعاد فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری دارند؟ این سوال در قالب یک مدل علی در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. مدل مفهومی این تحقیق در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱- مدل مفهومی این تحقیق

روش

طرح این تحقیق از نوع همبستگی مبتنی بر تحلیل مسیر است که در قالب یک الگوی علی، ارتباط ابعاد فرزند پروری (متغیر برون زاد)، سبک‌های پردازش هویت (متغیر واسطه‌ای) و مسئولیت‌پذیری (متغیر درون‌زاد) مورد تبیین قرار گرفته است.

گروه نمونه مورد مطالعه

جامعه آماری این تحقیق، شامل دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌ی شهرستان شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ بود. به منظور انتخاب آزمودنی‌ها، ۳۰۴ دانش‌آموز (۱۷۱ دختر و ۱۳۳ پسر) با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند، بدین صورت که از نواحی چهارگانه‌ی آموزش پرورش شهر شیراز، چهار دبیرستان (دو دبیرستان دخترانه و دو دبیرستان پسرانه) و از هر دبیرستان، دو کلاس به صورت تصادفی انتخاب و اطلاعات از آنان گردآوری شد.

ابزارهای اندازه‌گیری

پرسش‌نامه محیط خانوادگی: این پرسش‌نامه توسط نقاشیان (۱۳۵۸) بر مبنای کارهای شیفر تدوین شده و یک پرسش‌نامه‌ی خودگزارشی است که از آزمودنی‌ها می‌خواهد تا میزان محبت و کنترلی که در خانواده در رابطه با والدین شان تجربه می‌کنند را گزارش کنند. پرسش‌نامه مرکب از ۷۷ گویه و دو بعد کنترل (۴۲ سؤال اول) و محبت (۳۵ سؤال بعدی) می‌باشد. پاسخدهی به این پرسش‌نامه بر اساس یک مقیاس لیکرتی ۵ گزینه‌ای در دامنه‌ای از خیلی مخالفم (۱) تا خیلی موافقم (۵) صورت می‌گیرد. سؤالات ۱ تا ۱۴ و نیز ۶۱ تا ۷۷ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

در پژوهش فولادچنگ (۱۳۸۵) میزان آلفای کرونباخ برای ابعاد کنترل و محبت به ترتیب برابر با ۰/۶۸ و ۰/۷۵ به دست آمد. در پژوهش فولادچنگ و همکاران (۱۳۸۹) جهت بررسی روایی پرسش‌نامه از روش تحلیل عامل با استفاده از چرخش واریماکس استفاده شد و وجود دو عامل کنترل و محبت مورد تأیید قرار گرفت. لازم به ذکر است که شواهد روایی و پایایی مربوط به این مقیاس از سوی محققان متعدد از جمله حسین چاری و دلاورپور (۱۳۸۶) مورد تأیید قرار گرفته است. در این تحقیق، پایایی پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای ابعاد کنترل و محبت به ترتیب برابر با ۰/۸۰ و ۰/۹۲ بدست آمد. جهت محاسبه روایی نیز از روش همسانی درونی استفاده شد، بدین صورت که همبستگی هر سؤال با نمره بعد مربوط به آن محاسبه گردید. ضرایب همبستگی برای بعد کنترل از ۰/۲۰ تا ۰/۵۲ و برای بعد محبت از ۰/۳۵ تا ۰/۷۰ حاصل شد و همه ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند. لازم به ذکر است که سؤالات شماره ۲۸، ۲۹، ۳۶، ۳۹ و ۶۰ به دلیل ضریب همبستگی پایین‌تر از ۰/۲۰ از پرسش‌نامه حذف شدند.

پرسش‌نامه سبک‌های پردازش هویت: به منظور اندازه‌گیری سبک‌های هویت از فرم ۳۰ سؤالی پرسش‌نامه سبک‌های پردازش هویت^۱ (ISI_G6) (وایت، واملر و وین، ۱۹۹۸) استفاده شد. این ابزار دارای سه مؤلفه می‌باشد. مؤلفه‌های آن عبارتند از سبک پردازش اطلاعاتی (۱۱ سؤال)، سبک

پردازش هنجاری (۹ سؤال) و سبک پردازش سردرگم - اجتنابی (۱۰ سؤال). در این ابزار هر سؤال دارای پنج گزینه از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) می‌باشد. وایت و همکاران (۱۹۹۸) میزان آلفای کرونباخ برای سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی را به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۶۴ و ۰/۷۸ گزارش کردند. شیخ الاسلامی (۱۳۸۵)، ضریب آلفای کرونباخ را برای سه سبک اطلاعاتی، هنجاری، و سردرگم - اجتنابی به ترتیب برابر با ۰/۵۸، ۰/۴۷، ۰/۶۴ محاسبه کرد. روایی این پرسشنامه نیز توسط جوکار و حسین چاری (۱۳۸۰) از طریق همسانی درونی و تحلیل عوامل مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. در این تحقیق برای بررسی پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد و ضرایب آلفای کرونباخ برای سبک‌های پردازش هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم به ترتیب برابر با ۰/۵۹، ۰/۴۵ و ۰/۵۸ بدست آمد. هم‌چنین جهت محاسبه روایی از روش همسانی درونی استفاده شد بدین صورت که همبستگی سؤالات هر سبک با نمره کل آن سبک محاسبه گردید. دامنه ضرایب همبستگی، برای سبک اطلاعاتی از ۰/۲۵ تا ۰/۵۶، برای سبک هنجاری از ۰/۳۰ تا ۰/۵۲ و برای سبک سردرگم - اجتنابی از ۰/۳۴ تا ۰/۵۸ متغیر به دست آمد. همه ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند.

پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری: در این تحقیق برای اندازه‌گیری مسئولیت‌پذیری از پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری سروش (۱۳۹۰) استفاده شد. لازم به ذکر است که سروش (۱۳۹۰) با ترکیب مقیاس مسئولیت‌پذیری مرگلر و همکاران (۲۰۰۷) و مقیاس مسئولیت‌پذیری لی، رایت، روکاوینا و پیکرینگ (۲۰۰۸) و با استفاده از روش تحلیل عاملی به یک مقیاس ۲۱ سؤالی دست یافت که ۱۰ گویه آن مسئولیت‌پذیری فردی و ۱۱ گویه آن مسئولیت‌پذیری اجتماعی را اندازه می‌گیرد. پاسخ-دهی به این مقیاس براساس مقیاس لیکرت از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۷) می‌باشد و نمره-گذاری سؤالات ۷، ۸، ۱۰، ۹، ۱۱ به صورت معکوس انجام می‌شود.

در تحقیق سروش (۱۳۹۰) پایایی خرده مقیاس مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی و مسئولیت‌پذیری کل با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۵۸ و ۰/۷۱ بدست آمد. روایی این مقیاس نیز با استفاده از تحلیل عامل بررسی و دو عامل مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی بدست آمد (سروش، ۱۳۹۰). در این تحقیق از نمره کل پرسش‌نامه استفاده شده است و میزان پایایی نمره کل با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰ به دست آمد. جهت محاسبه روایی نیز از روش همسانی درونی استفاده شد، بدین صورت که همبستگی سؤالات پرسش‌نامه با نمره‌ی کل محاسبه گردید. ضرایب همبستگی از ۰/۳۵ تا ۰/۶۲ متغیر بودند و همبستگی معناداری با نمره کل پرسش‌نامه داشتند ($p=0/001$).

یافته‌ها

اطلاعات توصیفی متغیرها شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
	کنترل	۱۱۵/۳۸	۱۶/۱۳	۶۶	۱۶۹
ابعاد فرزندپروری	محبت	۱۳۱/۴۸	۲۰/۵۴	۵۰	۱۶۶
	اطلاعاتی	۳۷/۸۵	۵/۴۷	۲۳	۵۳
سبک‌های پرورش‌دهی	هنجاری	۳۰/۲۹	۴/۵۱	۱۸	۴۳
	سردرگم	۲۶/۱۷	۵/۴۹	۱۱	۴۰
مسئولیت‌پذیری		۱۱۴/۷۹	۱۵/۰۴	۵۹	۱۴۴

به عنوان پیش‌نیاز انجام تحلیل‌های رگرسیونی و هم‌چنین به منظور ارائه‌ی تصویری روشن از ارتباط میان متغیرهای پژوهش، همبستگی بین آن‌ها محاسبه شد. ماتریس همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه، در جدول ۲ آورده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ابعاد کنترل ($r=0/17, p=0/001$) و محبت ($r=0/38, p=0/001$) رابطه‌ی مثبت و معناداری با مسئولیت‌پذیری دارند. هم‌چنین سبک‌های پرورش‌دهی اطلاعاتی ($r=0/41, p=0/001$) و هنجاری ($r=0/42, p=0/001$)، نیز رابطه‌ی مثبت و معناداری با مسئولیت‌پذیری و سبک پرورش‌دهی سردرگم دارای رابطه‌ی منفی و معناداری با آن می‌باشد ($r=-0/25, p=0/001$). علاوه بر این، بعدکنترل با سبک‌های پرورش‌دهی اطلاعاتی ($r=0/11, p=0/05$) و هنجاری ($p=0/001$)، دارای رابطه‌ی مثبت و معناداری است، اما با سبک پرورش‌دهی سردرگم-اجتناب، رابطه‌ی معناداری ندارد. سرانجام مشاهده می‌شود که بعد محبت با سبک‌های پرورش‌دهی اطلاعاتی ($r=0/17, p=0/001$) و هنجاری ($r=0/35, p=0/001$)، رابطه‌ی مثبت و با سبک پرورش‌دهی سردرگم^۰ اجتنابی رابطه‌ی منفی و معناداری دارد ($r=-0/18, p=0/001$).

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
ابعاد	۱					
فرزند پروری	۰/۰۳	۱				
سبک‌های	۰/۱۱*	۰/۱۷**	۱			
پردازش هویت	۰/۲۱**	۰/۳۵**	۰/۳۵**	۱		
۵- سردرگم	-۰/۰۸	-۰/۱۸**	-۰/۲۰**	-۰/۱۳*	۱	
۶- مسئولیت پذیری	۰/۱۷**	۰/۳۸**	۰/۴۱**	۰/۴۲**	-۰/۲۵**	۱

** p=۰/۰۰۱ * p=۰/۰۰۵

به منظور پاسخگویی به سؤال پژوهش مبنی بر آن که "آیا سبک‌های پرورش هویت در ارتباط بین ابعاد فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری نوجوانان نقش واسطه‌ای دارند؟" از تحلیل مسیر مطابق با مراحل بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده شد. نتایج در جدول ۳ آورده شده است. در این بخش، یافته‌ها مطابق با این مراحل گزارش می‌شوند.

مرحله‌ی اول: رگرسیون مسئولیت‌پذیری بر روی ابعاد فرزندپروری (کنترل و محبت). با توجه به نتایج مندرج در جدول ۳، ابعاد فرزندپروری، اثر معناداری بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان داشته است ($F=۳۱/۱۰$, $p=۰/۰۰۱$). هم‌چنین، نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که ابعاد کنترل ($p=۰/۰۰۳$, $=۰/۱۶$) و محبت ($p=۰/۰۰۱$, $=۰/۳۸$)، پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنادار مسئولیت‌پذیری هستند. سرانجام می‌توان ملاحظه نمود که مجموع متغیرهای پیش‌بین، ۱۷ درصد از واریانس مسئولیت‌پذیری را تبیین نموده‌اند.

مرحله‌ی دوم: رگرسیون سبک‌های پرورش هویت بر روی ابعاد فرزندپروری (کنترل و محبت). همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، ابعاد فرزندپروری، اثر معناداری بر سبک‌های پرورش هویت اطلاعاتی ($p=۰/۰۰۲$, $F=۶/۵۴$)، هنجاری ($p=۰/۰۰۱$, $F=۲۸/۳۰$) و سردرگم^۹ ($p=۰/۰۰۴$, $F=۵۶/۷۶$) داشته است. هم‌چنین، نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که بعد کنترل، پیش‌بین مثبت و معنادار سبک پرورش هویت هنجاری ($p=۰/۰۰۱$, $=۰/۱۹$) می‌باشد. اما این بعد نتوانسته است به نحو معناداری سبک‌های پرورش هویت اطلاعاتی و سردرگم-اجتنابی را پیش‌بینی کند. از سوی دیگر مشاهده می‌شود که بعد محبت، پیش‌بین مثبت و معنادار سبک‌های پرورش هویت اطلاعاتی ($p=۰/۰۰۱$, $=۰/۱۷$) و هنجاری ($p=۰/۰۰۱$, $=۰/۳۴$) و پیش‌بین منفی و معنادار سبک پرورش هویت سردرگم^۹ ($p=۰/۰۰۲$, $=-۰/۱۷$) است. لازم به ذکر است که ابعاد فرزند پروری ۴ درصد از واریانس سبک

پردازش هویت اطلاعاتی، ۱۶ درصد از واریانس سبک پردازش هویت هنجاری و ۴ درصد از واریانس سبک پردازش هویت سردرگم-اجتنابی را تبیین نموده‌اند.

مرحله‌ی سوم، رگرسیون مسئولیت‌پذیری بر روی سبک‌های پردازش هویت با کنترل ابعاد فرزندپروری (کنترل و محبت). نتایج مندرج در جدول شماره ۳، حاکی از آن است که مجموع متغیرهای پیش‌بین تأثیر معناداری بر مسئولیت‌پذیری داشته‌اند ($F=29/83$ ، $p=0/001$). هم-چنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که بعد کنترل، پیش‌بین معناداری برای مسئولیت‌پذیری نبوده و بعد فرزندپروری محبت، پیش‌بین مثبت و معنادار آن است ($p=0/001$ ، $\beta=0/24$). سبک‌های پردازش هویت اطلاعاتی ($p=0/001$ ، $\beta=0/26$) و هنجاری ($p=0/001$ ، $\beta=0/22$) پیش‌بین مثبت و معنادار مسئولیت‌پذیری و سبک پردازش هویت سردرگم-اجتنابی پیش‌بین منفی و معنادار آن است ($p=0/013$ ، $\beta=-0/12$). لازم به ذکر است که متغیرهای پیش‌بین ۳۳ درصد از واریانس مسئولیت‌پذیری را تبیین نموده‌اند. نتایج تحلیل‌های فوق با حذف روابط غیر معنادار، در نمودار ۲ ارائه شده است.

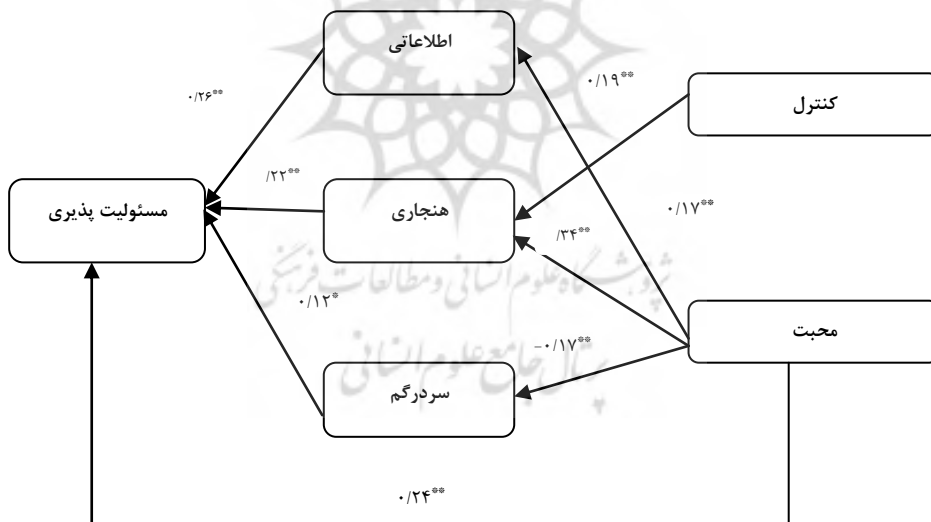
جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون ابعاد فرزندپروری بر روی مسئولیت‌پذیری با واسطه‌گری سبک-

های پردازش هویت بر اساس مراحل بارون و کنی (۱۹۸۶)

مرتبه	متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	P	R	R ²	β	t	P
اول	کنترل	مسئولیت‌پذیری	۳۱/۱۰	۰/۰۰۱	۰/۴۱	۰/۱۷	۰/۱۶	۳/۰۵	۰/۰۰۳
	محبت						۰/۳۸	۷/۱۷	۰/۰۰۱
	کنترل						۰/۱۱	۱/۹۲	۰/۰۵۵
دوم	اطلاعاتی	هنجاری	۶/۵۴	۰/۰۰۲	۰/۲۰	۰/۰۴	۰/۱۱	۳	۰/۰۰۳
	محبت						۰/۱۷	۳/۶۶	۰/۰۰۱
	کنترل						۰/۱۹	۶/۴۵	۰/۰۰۱
	کنترل						۰/۰۷	۱/۳۱	۰/۱۹
	محبت						۰/۱۷	۳/۰۸	۰/۰۰۲
	کنترل						۰/۰۸	۱/۶۶	۰/۰۹۸
سوم	محبت	محبت	۵/۷۶	۰/۰۰۴	۰/۱۹	۰/۰۴	۴/۶۴	۰/۰۰۱	

اطلاعاتی	۲۹/۸۳	۰/۰۰۱	۰/۵۸	۰/۳۳	۰/۲۶	۵/۰۶	۰/۰۰۱
هنجاری	مسئولیت				۰/۲۲	۴/۰۵	۰/۰۰۱
سردرگم	پذیری				-۰/۱۲	۲/۴۹	۰/۰۱۳

مرحله‌ی چهارم: به منظور تعیین نقش واسطه‌ای سبک‌های پردازش اطلاعات در ارتباط بین ابعاد فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری، ضرایب بتای مسیر فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری حاصل از مرحله اول و سوم با یکدیگر مقایسه گردیدند. نتایج مقایسه نشان می‌دهد که ضریب بتای بعد کنترل از مرحله اول به مرحله سوم کاهش یافته و معناداری خود را از دست داده است (از ۰/۱۶ به ۰/۰۸). لذا می‌توان نتیجه گرفت که سبک پردازش هویت هنجاری نقش واسطه‌ای کامل در ارتباط بین بعد کنترل و مسئولیت‌پذیری ایفا نموده است. در مورد بعد محبت نیز مشاهده می‌شود که ضریب بتا از مرحله‌ی اول به مرحله‌ی سوم کاهش یافته است (از ۰/۳۸ در مرحله‌ی اول به ۰/۲۴ در مرحله‌ی سوم) لذا می‌توان نتیجه گرفت که تمامی سبک‌های پردازش هویت در ارتباط بین بعد محبت و مسئولیت‌پذیری دارای نقش واسطه‌گری سهمی می‌باشند.



**p < ۰/۰۰۱ *p < ۰/۰۵

نمودار ۲: مدل نهایی پژوهش حاضر

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که ابعاد محبت و کنترل به صورت مثبت، مسئولیت‌پذیری نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند. این یافته هماهنگ با تحقیقاتی است که در خصوص ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری و رشد اجتماعی فرزندان صورت گرفته است. با توجه به این یافته‌ها در خانواده‌های مقتدر که هم نظارت و کنترل و هم محبت تو صمیمیت در حد بالایی ابراز می‌شود، فرزندان از اعتماد بنفس و کفایت اجتماعی برخوردارند و مسئولیت اعمال خود را می‌پذیرند (سیگلن و رایدر، ۲۰۱۲). به طور خاص، در تبیین نقش محبت در پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری نوجوانان چنین می‌توان اظهار نمود که ارتباط گرم و صمیمانه در خانواده، میزان تعهد فرزندان را افزایش می‌دهد و آنان را به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و پذیرش مسئولیت مشتاق‌تر می‌کند (برگر ترجمه سعدی پور، ۱۳۸۸). والدین گرم و صمیمی فرزندان با اعتماد به نفس پرورش می‌دهند (یانگ، کیم، لاروچ و لی، ۲۰۱۴) و بالطبع، فرزندان برخوردار از اعتماد بنفس، به میزان بیش‌تری برای تعاملات اجتماعی، و پذیرش مسئولیت داوطلب می‌شوند، در واقع تمایل بیش‌تر والدین به گفت و شنود در خانواده همراه با گرمی و محبت، منجر به پرورش فرزندان با مهارت ارتباطی رشد یافته‌تر، مهارت حل مسأله، مسئولیت‌پذیر و در نهایت مستقل‌تر می‌شود (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۱۹۹۷). هم‌چنین در تبیین نقش مثبت کنترل در پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری نوجوانان چنین می‌توان اظهار نمود که در صورت وجود نظارت و کنترل در خانواده، فرزندان درمی‌یابند که لازم است مسئولیت‌هایی را بپذیرند و پاسخگوی انتظارات والدین خود باشند. زمانی که در خانواده نظارت و کنترلی وجود نداشته باشد و فرزندان ملزم به پاسخگویی در قبال رفتارهای خود نباشند، مسئولیت‌پذیری نیز معنا نمی‌یابد.

یافته‌ی دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که بعد محبت به صورت مثبت سبک‌های پردازش هویت اطلاعاتی و هنجاری و به صورت منفی سبک پردازش سردرگم/اجتنابی را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش‌هایی که نشانگر اثر روابط صمیمانه و محبت آمیز والدین بر رشد هویت فرزندان است، همسو می‌باشد (برای مثال جاگرز و همکاران، ۲۰۱۴؛ باباپور خیرالدین و همکاران، ۱۳۹۰؛ شیخ اسلامی و همکاران، ۱۳۸۷؛ ماسور و کارین، ۲۰۰۲؛ گلفم و گل، ۲۰۰۵). به نظر می‌رسد ارتباط توأم با محبت و صمیمانه والدین با فرزندان نوجوان خود، برای آنان پایگاه امنی را ایجاد می‌نماید که موجب می‌گردد نوجوان با اتکاء به این پایگاه امن از یک‌طرفاز جسارت بیش‌تری برای کسب اطلاعاتی که مرتبط با شکل‌گیری هویت آنان است، برخوردار شوند. و از طرف دیگر به دلیل پیوند عاطفی عمیقی که بین آنان و والدینشان وجود دارد به هنجارها و قواعد والدین خود و دیگر مراجع قدرت متعهد گردند. این‌گونه نوجوانان از دریافت اطلاعات اجتناب نمی‌نمایند و قادر به

تصمیم‌گیری در امور مهم زندگی خود می‌باشند (اشتاین برگ، ۱۹۹۶). در خصوص نتیجه‌ی دیگر این تحقیق مبنی بر پیش‌بینی مثبت و معنادار سبک‌پردازش هویت هنجاری بوسیله بعد فرزندپروری کنترل چنین می‌توان اظهار نمود که والدین با کنترل فرزندان‌شان تمایل دارند که آنها از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی فاصله نگرفته، و در مسیر مورد تأیید جامعه گام بردارند، بنابراین فرزندان نیز ساختار هویتی مورد قبول جامعه را اتخاذ و به آن متعهد می‌گردند (برزونسکی، ۲۰۰۳).

علاوه بر این، با توجه به نتایج این تحقیق، سبک‌های پردازش هویت اطلاعاتی و هنجاری پیش‌بین مثبت و معنادار مسئولیت‌پذیری و سبک پردازش هویت سردرگم-اجتنابی پیش‌بین منفی و معنادار آن است. از نظر پشتوانه تحقیقاتی، این یافته همسو با نتایج پژوهش‌هایی است که حاکی از اثر مثبت سبک‌های پردازش اطلاعاتی و هنجاری و اثر منفی سبک سردرگم-اجتنابی بر رشد احساس شایستگی، کفایت اجتماعی و اعتمادبنفس نوجوانان است (برای مثال سعادت‌ی شامیر و همکاران، ۱۳۸۶؛ گلاسر، ۲۰۰۰؛ کروسیتی و همکاران، ۲۰۱۴؛ پاشا و گودرزبان، ۱۳۸۹؛ امیدیان، ۱۳۸۴؛ کروسیتی و همکاران، ۲۰۱۴). نوجوانان برخوردار از سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری نسبت به سرنوشت خود، جامعه و دیگران احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و کمتر به دنبال رفتارهای پر خطر می‌روند (حسینی المدنی، ۱۳۹۱) و از وظیفه‌شناسی بیشتر برخوردارند (نادری نوبندگانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ مغاللو، ۱۳۸۷). هم‌چنین نوجوانانی که در شکل دادن به هویت خود از قابلیت انتخاب برخوردارند، می‌توانند در برخورد با تجارب مثبت و منفی به صورت مسئولانه‌ای رفتار نمایند و دارای سبک مقابله‌ای مسأله‌مدار هستند (پیری، ۱۳۸۴). بر اساس مراحل شکل‌گیری هویت (مارسیا، ۱۹۸۰) نوجوانانی که در جستجوی هویت می‌باشند از نگرش مسئولانه و متعهدانه‌تری نسبت به ارزش‌ها و هنجارهایی که پذیرفته‌اند، برخوردارند. درحالی که نوجوان برخوردار از سبک هویت سردرگم-اجتنابی نه نسبت به خود و نه نسبت به جامعه تعهدی ندارد (کروسیتی و همکاران، ۲۰۱۴). این افراد به دلیل حالت بی‌تکلیفی و ناهماهنگی شخصیتی مرتب نقش‌های مختلف اجتماعی را آزموده و به سرعت آن‌ها را رها می‌نمایند، بنابراین نمی‌توانند چندان مسئولیت‌پذیر باشند.

نتایج این تحقیق نشان داد که سبک پردازش هویت هنجاری نقش واسطه‌ای کامل در ارتباط بین بعد کنترل فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری نوجوانان ایفا نموده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت احتمالاً کنترلی که در خانواده‌ها اعمال می‌گردد بیش‌تر در جهت هم‌نوا کردن فرزندان با ارزش‌ها و هنجارهای مراجع قدرت است. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که با افزایش کنترل در خانواده، نوجوانان بیش‌تر در جهت استقبال از اطلاعاتی برآیند که بوسیله مراجع قدرت به آنان

منتقل می‌گردد و همین امر نیز آنان را نسبت به این هنجارها متعهد گردانیده و در قبال خود و جامعه‌ای که هنجارها از آن نشأت گرفته است بیش‌تر احساس مسئولیت می‌نمایند.

با توجه به یافته‌ی دیگر این پژوهش، بعد محبت فرزندپروری هم به نحو مستقیم و هم به نحو غیر مستقیم و از طریق تمامی سبک‌های پردازش هویت، مسئولیت‌پذیری نوجوانان را تحت تأثیر قرار داده است. این یافته بیانگر اهمیت نقش محبت و صمیمیت خانواده در پرورش فرزندانی مسئول و متعهد است. به اعتقاد سیگل‌من و رایدر (۲۰۱۲) در خانواده‌هایی که جهت‌گیری پاسخگویی متقابل وجود دارد یعنی هم والدین و هم فرزندان نسبت به یکدیگر رویکرد مراقبتی، مسئولانه و دلسوزانه دارند، رشد اخلاقی فرزندان به نحو مطلوب‌تری صورت می‌گیرد و فرزندان این‌گونه خانواده‌ها از احساس همدلی و رفتارهای نودوستانه بیش‌تری برخوردار می‌گردند. با مقایسه اثرات مستقیم و غیر مستقیم ابعاد محبت و کنترل بر مسئولیت‌پذیری نوجوانان درمی‌یابیم که دامنه‌ی اثرگذاری محبت والدین بیش از کنترل آنان می‌باشد. در حقیقت به نظر می‌رسد که برخورد محبت‌آمیز، صمیمانه و توأم با عشق و علاقه والدین از آن‌چنان جذابیتی برای فرزندان برخوردار است که آنان را برای تبعیت از هنجارها، قواعد و انتظارات خانواده نیز آماده‌تر می‌سازد. همان‌گونه که نتایج پژوهش‌های قبلی نیز که به بررسی تأثیر روش‌های فرزندپروری بر ویژگی‌های روانشناختی فرزندان پرداخته‌اند، نشانگر نقش بیش‌تر بعد محبت، در مقایسه با بعد کنترل، در پرورش و رشد ویژگی‌های فردی و اجتماعی نوجوانان بوده‌اند (فولاد چنگ و همکاران، ۱۳۸۹).

یافته‌های این پژوهش می‌تواند اطلاعات مهمی برای والدین، مربیان و مسئولان به همراه داشته باشد. با توجه به آن‌که نتایج این پژوهش حاکی از نقش محبت و کنترل والدین در شکل‌گیری سبک‌های پردازش هویت و مسئولیت‌پذیری و هم‌چنین نقش سبک‌های پردازش هویت در مسئولیت‌پذیری نوجوانان می‌باشد، ضرورت آگاه‌سازی خانواده‌ها در خصوص اثرات روش‌های تربیتی آنان بر رشد هویت و مسئولیت‌پذیری فرزندان بیش از پیش نمایان می‌شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود با توجه به آن‌که در نظام تعلیم و تربیت بر جایگاه خانواده تأکید ویژه‌ای می‌گردد، آموزش خانواده توسط متخصصین مجرب و متعهد، در رأس برنامه‌های آموزشی نظام تعلیم و تربیت قرار گیرد. با آموزش شیوه‌های صحیح کنترل هدفمند همراه با گرمی و محبت، به والدین، می‌توان به ایجاد جو تربیتی مقتدرانه در خانواده‌ها کمک نمود و از این طریق به بهبود روند شکل‌گیری هویت نوجوانان، شرایط مشارکت و مسئولیت‌پذیری آنان در خانواده و اجتماع کمک نمود. علاوه بر این با شناخت نوجوانانی که از مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی کمی برخوردارند، می‌توان اقدامات مشاوره‌ای و درمانی نیز انجام داد. این اقدامات می‌تواند کمک مؤثری به حفظ و ارتقای مشارکت اجتماعی در جهت توسعه پایدار جامعه نماید.

پی‌نوشت‌ها

- ¹Responsibility
- ²Rearing styles
- ³Authoritative parents
- ⁴Authoritarian parents
- ⁵Neglectful parents involved
- ⁶Inattentive parents
- ⁸Identity Processing Styles
- ⁹Information Styles
- ¹⁰Normative Styles
- ¹¹Diffuse-avoidant Styles
- ¹²Identity Style Inventory (ISI-6G)



منابع

احمدی آخوومه، محمد، سهامی، سوسن، رفاهی، ژاله، شمشیری، بابک (۱۳۹۲). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه مسئولیت‌پذیری چند بعدی بر مبنای متون اسلامی، **روش‌ها و مدل‌های روانشناختی**، شماره ۱۳، ۹۹-۱۱۱.

امیدیان، مرتضی (۱۳۸۴). مقایسه حالت‌های هویت چهارگانه (آشفته، زود هنگام، مهلت خواه، پیشرفته) در متغیرهای مسئولیت‌پذیری، انگیزه پیشرفت، سلامت روان و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز **مقاله ارائه شده به اولین کنگره سراسری روان‌شناسی ایران**، شماره ۶۳، صص ۸۷-۱۰۰.

بابا پور خیرالدین، جلیل؛ اسماعیلی انامق، بهمن؛ غلام زاده، مجتبی؛ محمدپور، وهاب (۱۳۹۰). رابطه‌ی بین ابعاد فرزندپروری و سبک‌های هویتی نوجوانان. **مجله روانشناسی**، سال شانزدهم، شماره ۲، صص ۱۷۵-۱۶۲.

برکات، فاطمه (۱۳۸۵). **بررسی تاثیر آموزش‌های مهارت‌های اجتماعی بر سبک‌های هویتی دانش‌آموزان دختر و پسر سال اول مقطع متوسطه شهرستان بوشهر**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

برگر، کاتلین (۱۳۸۸). **روانشناسی رشد**. ترجمه‌ی اسماعیل سعدی پور، تهران: نشر نی.

پاشا، غلامرضا؛ گودرزیان، مه‌ری (۱۳۸۹). **بررسی رابطه‌ی سبک‌های هویت و رشد اخلاقی با مسئولیت‌پذیری در دانشجویان اندیمشک**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

پیری، لیلا (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین سبک‌های هویت، ابراز وجود و سبک‌های مقابله. **مطالعات روان‌شناختی**. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء، دوره ۱، شماره ۲، صص ۵۴-

جوکار، بهرام؛ حسین چاری، مسعود (۱۳۸۰). بررسی رابطه‌ی میزان پایبندی به اعمال عبادی و

سبک هویت، *مقاله ارائه شده به اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت*

روان، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ایران، صص ۵۸-۳۶.

حسین چاری، مسعود؛ دلاورپور، محمدآقا (۱۳۸۶). آیا افراد کمرو فاقد مهارت‌های ارتباطی‌اند، *مجله*

روانشناسی تحولی، شماره ۱۰۰، صص ۱۳۶-۱۲۳.

حسینی المدنی، سیدعلی (۱۳۹۱). بررسی نقش معنویت، صفات شخصیت (پنج بزرگ)، سبک‌های

هویتی و تاب آوری در پیش‌بینی عضویت در گروه‌های معتاد و غیرمعتاد. *مقاله پژوهشی، مجله*

دانشگاه علوم پزشکی، رفسنجان دوره دوازدهم، شماره ۱، صص ۷۰-۵۷.

خلیلی فر، مینا، کاظمی، سلطانعلی، جاویدی، حجت اله (۱۳۹۳). نقش واسطه‌گری جهت‌گیری

مذهبی برای سبک‌های فرزندپروری و معنای زندگی در دانش‌آموزان پایه سوم دوره

دبیرستان شهر شیراز، *روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، شماره ۱۵، ۷۳-۵۹.

خورشیدی، عباس؛ ایزدی، مهشید؛ جلیل‌عاملی، فروشانی، زهرا (۱۳۸۷). تأثیر نقش الگویی خانواده

بر پرورش مسئولیت‌پذیری و رشد اجتماعی و عاطفی نوجوانان تهرانی، *فصلنامه مطالعات*

نوجوانان، شماره ۱۵، صص ۲۲۲-۲۰۸.

سامانی، سیامک و فولادچنگ، محبوبه. (۱۳۸۶). *روانشناسی نوجوانی*. تهران: نشر ملک سلیمان.

سروش، مریم. (۱۳۹۰). *مقایسه‌ی بین‌نسلی سرمایه‌ها و فرصت‌های زندگی زنان و بازنمایی*

آنها در سبک زندگی، نمونه مورد مطالعه زنان ۲۵ الی ۳۹ سال شیراز و استهبان،

پایان‌نامه دکتری دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.

سعادت‌شامیر، ابوطالب (۱۳۸۳). *بررسی ارتباط بین سبک‌های هویت برزونسکی (اطلاعاتی،*

هنجاری، سردرگمی/اجتنابی) با سلامت عمومی و مسئولیت‌پذیری در دانشجویان

دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی،

دانشگاه تربیت معلم تهران.

سعادت‌شامیر، ابوطالب؛ شهرآرای، مهرناز؛ ولی‌الله‌فرزاد (۱۳۸۶). بررسی ارتباط بین سبک‌های

هویت و مسئولیت‌پذیری در دانشگاه‌های تهران، *پژوهش‌های تربیتی*، دانشگاه آزاد اسلامی

واحد بجنورد، شماره ۱۰، صص ۹۲-۱۱۵.

شکوهی یکتا، محسن، اکبری زردخانه، سعید، پرنده، اکرم و پوران، فاطمه (۱۳۹۱). ارتقاء تعامل والدین و فرزندان با استفاده از آموزش روس‌های نوین فرزندپروری، **روش‌ها و مدل‌های روانشناختی**، شماره ۱۰، صص ۱-۱۴.

شیخ الاسلامی، راضیه (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های هویت و ایثار در دانش‌آموزان دبیرستان‌های شاهد شهر شیراز. **چکیده مقالات نخستین همایش علمی فرهنگ ایثار و شهادت**، شیراز

شیخ الاسلامی، راضیه؛ فولادچنگ، محبوبه؛ صفری، هاجر (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی ابعاد خانواده با سبک‌های هویت نوجوانان، **سومین کنگره آسیب‌شناسی خانواده**، دانشگاه شهید بهشتی، تهران. شماره ۴۴، صص ۱۹۷-۱۸۸.

طباطبایی، نفیسه؛ طباطبایی، سیدشهاب‌الدین؛ کاکایی، یزدان؛ محمدی‌آریا، علیرضا (۱۳۹۰) رابطه‌ی سبک‌های هویت و مسئولیت‌پذیری با پیشرفت تحصیلی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر تهران. **فصل‌نامه‌ی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال دوازدهم، شماره ۴۴، صص ۴۲-۲۳.

فولادچنگ، محبوبه (۱۳۸۵). نقش الگوهای خانوادگی در سازگاری نوجوانان. **فصل‌نامه‌ی خانواده‌پژوهی**، سال دوم، شماره ۷، صص ۲۲۱-۲۰۹.

فولادچنگ، محبوبه؛ شیخ الاسلامی، راضیه؛ صفری، هاجر (۱۳۸۹) پیش‌بینی سبک‌های پردازش هویت نوجوانان براساس ابعاد فرزندپروری **مجله‌ی روانشناسی**، سال چهاردهم، شماره ۱، صص ۱۷-۳.

کلانتری، صمد؛ ادیبی، مهدی؛ زبانی، رسول؛ احمدی، سیروس (۱۳۸۶). بررسی بی‌تفاوتی و نوع دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن، **دانشور رفتار**، سال چهاردهم، شماره ۲۲، صص ۲۷-۳۵.

مغانلو، مهناز (۱۳۸۷). رابطه‌ی عوامل مدل پنج‌عاملی شخصیت و سبک‌های هویت. **پژوهش‌های**

روانشناختی: ۱۳۸۷ دوره ۱۱ شماره ۱، صص ۹۳-۷۹.

نادری نویندگانی، زهرا، مهرآور مومنی، جاوید، حسینیان، سیمین (۱۳۹۳). ارائه یک مدل مفهومی جهت تبیین رابطه میان سبک‌های هویتی، ویژگی‌های شخصیتی نئو و کمال‌گرایی، **روش-ها**

و مدل‌های روانشناختی، شماره ۱۶، ۸۵-۹۹.

نقاشیان، ذبیح‌الله (۱۳۵۸). **رابطه محیط خانوادگی و موفقیت تحصیلی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز.

هدایتی، بنت‌الهدی؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات؛ آکوچیان، احمد؛ بهرامی، فاطمه؛ اعتمادی، عذرا (۱۳۸۷). ابعاد فرزند پروری و مسئولیت‌پذیری نوجوان. **معرفت**، سال هفدهم، شماره ۷، صص

۶۳-۷۳

Baumrind, D. (1999). The influence of parenting style on adolescent competency and substance abuse. *Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95

Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement, *Journal of Adolescent Research*, 4, 267-282.

Berzonsky, M. D. (1990). Self- construction over the lifespan: A process perspective on identity formation. In G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer (Eds.). *Advances in Personal Counteract Psychology*, 1, 155-186.

Berzonsky, M. D. (2002). Social cognitive aspects of identity style. *Journal of adolescent research*, 12, 31-45.

Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences*, 20, 597-606.

Birkeland, M. S., Breivik, K., Wold, B. (2013). Peer acceptance protects global self-esteem from negative effects of low closeness to parents during adolescence and early adulthood. *Journal of Youth and Adolescence*, 10, -929-937.

- Bornstein, M. H. (2005). Positive parenting and positive development in children. In R. M. Lerner, F. Jacobs, & D. Wertlieb (Eds.), *Applied developmental science*, 155-177.
- Certo, S. C. (2004). *Principles of Modern Management Functions and Systems*. Massachusetts: Allyn and Bacon INC.
- Crocetti, E., Erentait, R., & Zukauskienė, R.Z. (2014). Identity styles, positive youth development, and civic engagement in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 10, 521-532.
- Crocetti, E., Jahromi, P., Meeus, W. (2012). Identity and civic engagement in adolescence. *Journal of Adolescence*, 35, 521-532.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 469-487.
- Dewey, J. (1983). The public and its problems. In *John Dewey, The later works 1925-1953*.
- Dudley L. Poston, J. R. (2014). The Family and Social Change in Chinese Societies. The Springer Series on Demographic Methods and Population Analysis, *Journal of Early Adolescence*, 34(2), 521-528.
- Ellithorpe, M. E., Ewoldsen, D. R., & Fazio, R. H. (2013). Socialization of dissonance processes: reports of parenting style experienced during childhood moderate dissonance reactions. *Social Psychological and Personality Science*, <http://spp.sagepub.com/content/early/2013/05/07/1948550613486675>
- Glasser, W. (2000). Reality therapy in action. *professional school counseling*, 3, 49-60.
- Guastello, D. D., Guastello, S. J., & Briggs, J. M. (2014). Parenting style and generativity measured in college students and their parents. SAGE
Open, <http://sgo.sagepub.com/content/4/1/2158244013518053.full-text.pdf+html>, 1-10
- Gulfem, C.S., Gul, A. (2005). Parental attitudes and ego identity status of

- Turkish adolescents. *Journal of Adolescence*, 40, 847-59.
- Hughes, C. H. (2010). Developing Conceptual Literacy in Lifelong Learning Research: A case of responsibility. *British Educational Research Journal*, 48, 59-78.
- Jaggers, J.W. Curch II, W. T. Tomek, S. Hooper, L.M. Bolland, K.A. & Bolland, J.M. (2014). Adolescent Development as a Determinant of Family Cohesion. A longitudinal analysis of adolescents in the mobile youth survey. *Journal of Child and Family Studies*. <http://link.springer.com/article/10.1007/s10826-014-9966-8>
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (1997). Family type and conflict: The impact of conversation orientation and conformity orientation on conflict in the family. *Communication Studies*, 48, 59-78.
- Lenzi, M., Vieno, A., Santinello, M., Nation, M., & Voight, A. (2014). The role played by the family in shaping early and middle adolescent civic responsibility. *The Journal of Early Adolescence*, 34(2), 251-278.
- Li, W., Wright P. M., Rukavina, P. B., & Pickering, M. (2008). Measuring students' perceptions of personal and social responsibility and the relationship with intrinsic motivation in Urban Physical Education. *Journal of Teaching in Physical Education*, 27, 167-178.
- Marcia, J. E. (1980). *Handbook of adolescent Psychology*. New York: Wiley.
- Masur, E. & Karin Ruth, A. (2002). The relationship between individuation from family of origin and identity development in college students. <http://commons.lib.niu.edu/handle/10843/11206>
- Maruyama, G., Fraser, S. C., Miller, N. (1982). Personal responsibility and altruism in children. *Journal of Personality and Social Psychology*, 42, 659-664.
- Mendonca, M., Fontaine, A. M., (2014). The role maturity of parents of emerging adult children: validity of parental maturity measure.

- Journal of Adult Development*, 21(2), 116-128.
- Menzies, R. G., Harris, L. M., Cumming, S. (2000). Relation between inflated personal responsibility and exaggerated danger expectancies in obsessive-compulsive concerns. *Behaviour Research and Therapy*, 38, 1029-1037.
- Mergler, A. (2007). *The Creation, Implementation and Evaluation of a School-Based Program* PhD thesis, Queensland University of Technology.
- Safran, S. P. & Safran, J. S. (1985). Classroom context and teachers perceptions of problem behavior. *Journal of Education Psychology*, 77, 20-28.
- Sigelman, C. K. & Rider, E. A. (2012). *Human development across the life span*. 7th edition, Wadsworth, Cengage Learning.
- Sigelman, C. K., & Shaffer, D. R. (1995). *life-span-human development*, 2H Edition, the George Washington University Brooks, Cole publishing company.
- Steinberg, L. D. (1996). *Adolescence*. New York: Mc Grae- Hill.
- Solbrekke, T., & Englund, T. (2011). Bringing professional responsibility back in. *Studies in Higher Education* 36, 847-861.
- White, J. M., Wampler, R. S., & Winn, K. I. (1998). The Identity Style Inventory. A revision with a sixth grade reading level (ISI-6G). *Journal of Adolescent Research*, 13, 223-245.
- Yang, Z., Kim, CH., Laroche, M., & Lee, H. (2014). Parental style and consumer socialization among adolescents: A cross-cultural investigation. *Journal of Business Research*, 67, 228-236.
- Zimmerman, P., & Becker-Stoll, F. (2002). Stability of attachment representation during adolescence: The influence of ego-identity status. *Journal of Adolescence*, 25, 107-127.
-

